

خلاصه‌ای از پیام هیئت اجرایی سازمان فدائیان کمونیست

به هفتمین کنفرانس سازمان فدائیان (اقلیت)

سازمان بر اساس سوسیالیسم علمی، نقد گذشته نو سازی و بازسازی و اتکا به جنبش کارگری مشی است که به این هدف رهنمون میشود. نو سازی‌ای که در ساختمان ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی آن هر تک تک رفقا نه به اعتبار "اقلیتی" بودن و به این یا آن گروه وابسته بودن، بلکه باعتبار کمونیست بودن، مشارکت دارند. تمام تجربیات تلخ و شیرین و آموخته های خود را در یک فضای آزاد و رفیقانه و خالی و عاری از تعصب و تحجر به محک بحث و آزمایش می گذارند. تبلور این تلاش‌ها وحدت اصولی و رزمنده نیروهائی است که دیگر در آن "حقیقت" در انحصار مادام العمر این و یا آن نیست، گروهی سیاست گذار دیگری مجری و سپاهی لشکر نمی باشند. اختلافات به انشعابات و انشعابات به انشقاقات (عمدتاً) بدون اطلاع از مضمون و علل انشعابات در بالا) امکان بروز نمی یابد، اعتماد متقابل، آموزش و پرورش اعضا و کادرها به امری نهائی تبدیل می گردد، تحلیل، برنامه، اساسنامه، سیاست، دخالت گری که از جنبش کارگری و جامعه جدائی ناپذیرند، سیراب می شوند. نگاه این تشکل و حزب هر کارگر و روشنفکر کمونیستی میشود که به اعتبار دخالت گری موثرش به ظرف مبارزه کارگران آگاه به منافع طبقاتی خویش و نیز به رهبر مبارزات صنفی و سیاسی کل طبقه نیز تبدیل میگردد. با آرزوی توفیق در اتخاذ تصمیمات انقلابی و با تقدیم صمیمانه ترین شادباش‌ها برای کنفرانس شما!

هیئت اجرایی سازمان فدائیان کمونیست

۱۰ مرداد ۱۳۷۸

به هفتمین کنفرانس سازمان فدائیان (اقلیت) با دروهای گرم!

رفقا! برگزاری کنفرانس سالانه سازمان فدائیان (اقلیت) رابه همه شما شاد باش میگوئیم و اجازه می خواهیم از فرصت استفاده کرده بدون وارد شدن به مقدمات مرسوم اینگونه پیام‌ها، به مواردی اشاره کنیم که بنظر ما طرح آنها در جمع رفقای شرکت کننده در کنفرانس ضروری است.

رفقای عزیز! بر هیچ کدام از ما و شما پوشیده نیست که اگر سازمان ما (منظور سازمان چریک های فدائی خلق ایران و متعاقب آن اقلیت با روابط نسبتاً گسترده توده ای و کارگری است که در انشعاب از رژیم و جریانات دیگر دوره‌ای موقت به اقلیت امید بستند) با نقد به موقع انحرافات و اشکالات خود از دوره های بحرانی سلامت عبور می کرد و انشعابات و انشقاقات اغلب مکانیکی بنیاد نثومند آنرا به تکه پاره های کنونی تبدیل نمیکرد، امروز جنبش کمونیستی و چپ ایران، به طریق اولی جنبش کارگری با وجود رهبران عملی و آگاهی که در موقع خود هزاران کارگر را نمایندگی میکردند، این چنین دروادی بی حزبی، بی برنامه‌گی و فقدان رهبری سرگردان نمی بود. و یا وضع بسیار متفاوت تر از آن می بود که اکنون هست.

چگونه می توان این انرژی وسیع و قدرتمند را مجتمع نمود و پلی برای دخالت موثر در جنبش کارگری در ایران و سر و سامان دادن به جنبش کمونیستی ایفا کرد و در راه تشکیل حزب طبقه کارگر که از اهداف اولیه سازمان ما بود گام برداشت؟